



یادداشت‌های داروخانه

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌های برایمان باشد. یا خاطره‌های را از زمان‌های دور برایمان زنده کنند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم. هم‌اشار می‌تواند تداعی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌های باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

خود درمانی در این روزها معلوم نیست که تا کجا می‌خواهد پیش برود؟ در نزد بعضی‌ها این مساله تا آن‌جا پیش رفته که خودشان در روی یک تکه کاغذ اسامی تعدادی دارو را می‌نویسند و از داروخانه تقاضا دارند که داروهایشان را تهیه کنند.

خانمی وارد داروخانه شد و وقتی مقابل پیش‌خوان قرار گرفت، کاغذی را از داخل کیفش خارج کرد و جلوی تکنیسین داروخانه گذاشت و از ایشان خواست که در اختیارشان قرار دهد. روی کاغذ نوشته بود:

* آموکسی‌سیلین ۵۰۰ میلی ۲۰ عدد برای حسین آقا.

* قرص سرماخوردگی ۳۰ عدد برای علی.

* کپسول ژلوفن ۲۰ عدد برای محسن.

* آلپرازولام ۰/۵ میلی ۱ ورق برای آقابرگ.

* فلوکستین ۲۰ میلی ۱ ورق برای خانم‌جان.

* دیازپام ۵ میلی ۱۰ عدد برای خودم.

حالا به عقیده شما با این نسخه خود نوشته خانم مراجعه کننده چه کار باید بکنیم؟

یادداشت ۲

خانم تقریباً ۳۵ ساله‌ای بود و بچه حدوداً پنج ساله‌ای هم همراهش بود. سؤال کرد که بی‌بی‌چک دارید؟ تکنیسین داروخانه ۳ نوع بی‌بی‌چک موجود در داروخانه را مقابل ایشان قرار داد.

خانم مراجعه کننده نحوه استفاده از آن‌ها را از تکنیسین داروخانه پرسید.

ایشان هم تاحدودی راجع به هر یک از آن‌ها توضیحات لازم را ارایه داد و بقیه نحوه استفاده

از بی‌بی‌چک را به بروشور داخل آن‌ها ارجاع داد. خانم پس از گوش دادن کامل به توضیحات تکنیسین داروخانه، هر یک از بی‌بی‌چک‌ها را زیرورو کرد و ورنانداز نمود و قیمت هر یک از آن‌ها را نیز پرسید. همه این صحنه‌ها که تمام شد، از تکنیسین داروخانه خداحافظی کرد و دست بچه‌اش را گرفت و از داروخانه رفت!

یادداشت ۳

از مراجعه کنندگان همیشگی داروخانه بود. مقابل خانم تکنیسین داروخانه که قرار گرفت نام چند دارو را برد و نسخه بیمه‌اش را هم مقابل ایشان قرار داد. خانم تکنیسین نسخه‌اش را قیمت زد و قیمت داروها را که گفت، مراجعه کننده مثل جن زده‌ها از مبلغ اعلام شده تعجب کرد. معلوم شد که یکی از داروها را پزشک مربوطه درست ننوشته و بنابراین، با بیمه محاسبه نشده است. بقیه داروهایش را دادیم و آن داروی خاص را قرار شد دوباره نزد پزشک رفته و مجدداً نسخه کند. این بار مشکل دیگری در نسخه وجود داشت و باز هم مریض موفق به دریافت دارویش نشد.

این مساله به کرات در داروخانه اتفاق می‌افتد و معمولاً مربوط به کسانی است که به پزشک مراجعه می‌کنند و از پزشک نسخه سفارشی می‌خواهند و این‌گونه مشکلات را برای خود و داروخانه ایجاد می‌کنند.

یادداشت ۴

وقتی مقابل خانم تکنیسین داروخانه قرار گرفت نام چندین شامپوی مختلف را عنوان نمود. هر یک

به داروخانه مراجعه کنند. البته، ما داروهای خاص بدن‌سازی نداریم و تنها داروهای تقویتی عمومی را به آن‌ها عرضه می‌کنیم. من اسم این افراد را گذاشته‌ام افراد «سرسینه جلو» و گاهی هم آن‌ها را پهلوان خطاب می‌کنم.

یک روز یکی از آن‌ها را که پهلوان خطابش کردم ظاهراً فرد روشنی بود و در جوابم گفت: پهلوان باید خصوصیات پهلوانی داشته باشد. ماها بیشتر پهلوان پنبه هستیم تا این که پهلوان واقعی باشیم!

یادداشت ۶

معمولاً تمام کسانی که به داروخانه مراجعه می‌کنند و تقاضای دارویی را دارند، خطاب به تکنیسین داروخانه می‌گویند: لطفاً یک بسته از فلان دارو بدهید. روزی صد بار هم تکنیسین داروخانه تکرار می‌کند که: مقصودتان از یک بسته، یک بسته مثلاً صد عددی یا پنجاه عددی یا ... است یا این که یک ورق (بلیستر) می‌خواهید؟

بیشتر مواقع هم مقصود مراجعه‌کننده از یک بسته همان یک ورق دارو است. علی‌رغم تمام این دقت‌ها و در واقع، متهم به خشخاش گذاشتن‌ها، یکی از مراجعه‌کنندگان که فهرستی را از داروهای OTC جلوی تکنیسین داروخانه گذاشته بود، جلوی هر کدام از آن‌ها هم نوشته بود: یک بسته. باز هم تکنیسین از هر کدام یک بسته گذاشته بود و طرف برگشت و کلی داد و بیداد راه انداخت و محیط را از آرامش انداخت که من از هر کدام یک ورق (بلیستر) می‌خواستم!

از اسامی را هم که تلفظ می‌کرد، بلافاصله می‌گفت که همسایه‌مان گفته برای شوره‌سر خوب است. البته در خاتمه هر نام، قیمت شامپو را هم می‌پرسید. من از پشت میزم که مشغول کاری بودم و گوشم هم به محاوره تکنیسین و مراجعه‌کننده بود، متوجه شدم که نام حداقل شش شامپو را برد.

دست آخر هم نام شامپوی «کولتار» را برد و وقتی متوجه شد که قیمتش نسبت به بقیه شامپوهایی که تا آن موقع پرسیده بود، ارزان‌تر است، گفت:

همین را بدهید!

سؤال کرد که به جای شامپوی معمولی از این شامپو استفاده کنم؟ که من وارد بحث شدم و نحوه استفاده از آن را برایش توضیح دادم و دست آخر هم گفتم که همیشه هر ارزانی بی‌حکمت نیست! البته در مورد دارو مساله کاملاً فرق می‌کند.

یادداشت ۵

حدود دو سه سالی می‌شود که در زیرزمین ساختمان داروخانه ما، یک باشگاه بدن‌سازی راه‌اندازی شده که ابتدا فقط برای آقایان بود، ولی بعداً در بعضی از ساعت‌های روز، خانم‌ها هم می‌توانند از امکانات آن استفاده کنند.

در طول این مدت هم تا حالا دو سه باری توسط شهرداری پلمپ شده ولی بعد از چند روزی دوباره بازگشایی شده است.

بنابراین، طبیعی است که اعضای این باشگاه معمولاً برای تهیه داروهای مورد توصیه مربیانشان